

[مسأله 12(حکم اتیان أجزای نماز به داعی غیر صلاتی) 1](#_Toc57475907)

[نظر صاحب عروه (بطلان نماز در فرض قصد داعی صلاتی) 1](#_Toc57475908)

[نظر مرحوم خویی 2](#_Toc57475909)

[نظر مرحوم داماد 3](#_Toc57475910)

[تفاوت نظر مرحوم خویی و مرحوم داماد 3](#_Toc57475911)

[نظر آقای سیستانی 4](#_Toc57475912)

**موضوع**: مسأله 12(حکم اتیان أجزای نماز به داعی غیر صلاتی) /نیت /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل سه وجه برای اعتبار اخلاص در عبادت بیان شد و مورد بررسی قرار گرفت و مسأله 11 به اتمام رسید.

# مسأله 12(حکم اتیان أجزای نماز به داعی غیر صلاتی)

صاحب عروه می فرماید: إذا أتى ببعض أجزاء الصلاة بقصد الصلاة و غيرها ‌كأن قصد بركوعه تعظيم الغير و الركوع الصلاتي أو بسلامه سلام التحية و سلام الصلاة بطل إن كان من الأجزاء الواجبة قليلا كان أم كثيرا أمكن تداركه أم لا و كذا في الأجزاء المستحبة غير القرآن و الذكر على الأحوط و أما إذا قصد غير الصلاة محضا فلا يكون مبطلا إلا إذا كان مما لا يجوز فعله في الصلاة أو كان كثيرا

## نظر صاحب عروه (بطلان نماز در فرض قصد داعی صلاتی)

**صاحب عروه می فرماید:** اگر بعض أجزای نماز را به قصد نماز محضاً انجام ندهد، دو صورت دارد:

**صورت اول این است که:** هم قصد نماز و هم قصد غیر نماز دارد که مبطل نماز است؛ مانند این که رکوع نماز را به قصد نماز و به قصد تعظیم غیر انجام می دهد. مثال بهتر این است که کسی هنگام بلند شدن برای رکعت بعدی، هم قیام صلاتی و هم تعظیم را قصد کند و ممکن است در حال قیام یک لبخندی زده و دست خود را هم بالا بیاورد که طرف مقابل احساس کند قیامش برای تعظیم او بوده است. یا مثل این که با «السلام علیکم» سلام نماز و سلام تحیّت به مخاطب را قصد کند. در صورتی که این جزء، جزء واجب باشد نماز باطل می شود و تدارک آن سودی ندارد.

همچنین جزء مستحب غیر از قرآن و ذکر بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد؛ حال چه جزء مستحبی است که قرآن و ذکر نیست و لابد دعاء هم نیست؟ اگر جزء مستحب را به رفع یدین در هنگام تکبیرة الاحرام توسعه دهیم مثال برای این احتیاط خواهد بود که بلند کردن دو دست هنگام تکبیرة الاحرام نماز هم به قصد عمل مستحب و هم به قصد تعظیم غیر باشد.

ظاهر صاحب عروه این است که جزء مستحبی که قرآن و ذکر است اگر به دو داعی انجام شود اشکال ندارد؛ مثلاً الله اکبر مستحب در هنگام نشستن و برخاستن هم به قصد جزء مستحب صلاتی و هم به قصد اعلام غیر باشد، مثل این که کسی با او تماس بگیرد و او موبایل را وصل کرده و تکبیر نماز را بگوید، هم به قصد جزء مستحب نمازی و هم به قصد اعلام غیر به این که مشغول نماز است.

**صورت دوم این است که:** قصد نماز نداشته باشد و تنها قصد غیر نماز داشته باشد مبطل نیست مگر این که چیزی باشد که فعلش در نماز جایز نیست مثل این که در نماز به قصد تعظیم غیر و نه به قصد نماز، رکوع کند که رکوع در نماز، مبطل است یا به قصد سجده تلاوت نه سجده صلاتیه، سجده کند که نماز او به خاطر صدق زیاده باطل می شود. و همچنین اگر جزء انجام شده به قصد غیر نماز آن قدر زیاد باشد که صورت نماز را از بین ببرد، مبطل نماز خواهد بود.

## نظر مرحوم خویی

**مرحوم خویی در اشکال به صاحب عروه فرموده اند:**

در صورت اول -که اگر جزء واجب را به دو قصد انجام دهد نمازش باطل است- در صورتی که این دو قصد متنافی نباشند نماز صحیح است و این دو مثالی که صاحب عروه بیان فرمودند تنافی وجود دارد و رکوع هم به قصد رکوع صلاتی و هم به قصد تعظیم غیر، با یکدیگر جمع نمی شوند و این رکوع زیادی در نماز می شود. یا اگر هم به عنوان سلام نمازی و هم به عنوان سلام تحیّت به غیر، سلام بدهد با یکدیگر تنافی داشته و مبطل نماز است. أما اگر شخصی جزء واجب را به داعی تعلیم غیر و به داعی جزء واجب نماز انجام دهد عنوان منافی نیست و لذا نماز صحیح است.

**توجّه شود که:** وجه بطلان این نیست که فعل واحد نمی تواند مصداق دو عنوان باشد؛ زیرا اشکالی ندارد که فعل واحد مصداق دو عنوان باشد و ما پذیرفته ایم که شخص می تواند نماز را هم به قصد نافله مغرب و هم به قصد نماز غفیله انجام دهد. وجه بطلان و اشکال این است که این رکوعی که دو قصد در آن وجود دارد مصداق زیاده در نماز می شود و رکوعی که به داعی تعظیم غیر است رکوع صلاتی نیست و زیاده در نماز است و نمی تواند جزء نماز باشد. لذا اتیان رکوع چه به داعی تعظیم غیر باشد و چه هم به داعی نماز و هم به داعی تعظیم غیر باشد مبطل نماز است زیرا مصداق زیاده در نماز است.

أما در جایی که دو داعی مثل داعی صلاتی و داعی تعلیم غیر با یکدیگر تنافی ندارند نماز باطل نخواهد شد.

**مرحوم خویی در اشکال دیگر به صاحب عروه فرموده اند**: ایشان در أجزای مستحبه بین قرآن و ذکر و غیر این دو تفصیل دادند که در غیر این دو، اتیان به جزء مستحب به داعی غیر صلاتی علی الاحوط مضرّ است و مرحوم خویی مثال جلسه استراحت بنا بر استحباب آن را مطرح نموده اند که به قصد جزء صلاتی انجام نشود؛ در حالی که این تفصیل وجهی ندارد و قرآن و ذکر با غیر آن مثل جلسه استراحت تفاوتی ندارد. به نظر ما این شخص که قصد ندارد این جزء صلاتی باشد زیرا أصلاً نماز واجب جزء مستحب ندارد و لذا قصد غیر جزئیت دارد و قرآن و ذکر باشد یا غیر این دو باشد که به قصد جزئیت نماز اتیان نشود اشکالی ندارد. این مطلب محصل فرمایش مرحوم خویی است.

## نظر مرحوم داماد

**مرحوم داماد فرموده اند**: ارتکاز متشرعی این عناوین -مثل عنوان رکوع صلاتی و عنوان رکوع برای تعظیم غیر- را نسبت به هم به شرط لا می داند، و بطلان از باب صدق زیاده نیست، بلکه رکوع صلاتی، رکوعی است که وحده و به شرط لا از قصد تعظیم غیر حاصل شود و سلام صلاتی آنی است که به همراه آن، سلام تحیّت قصد نشود و از ابتدا به این حصه خاصه أمر شده ایم: رکوعی که به قصد نماز باشد و به قصد تعظیم غیر نباشد، سلامی که به قصد سلام صلاتی باشد و به قصد سلام تحیّت نباشد.

### تفاوت نظر مرحوم خویی و مرحوم داماد

این مطلب غیر از فرمایش مرحوم خویی است؛ مرحوم خویی فرمودند دلیل نداریم فعل واحد مصداق دو عنوان باشد؛ اشکالی که به ایشان وارد است این است که اگر دلیل نداریم که این رکوع نمی تواند مصداق دو عنوان باشد چرا زیاده در فریضه شود و این مطلب أول الکلام است.

اگر واقعاً رکوع صلاتی عنوانی است که قابلیت این را دارد که با عنوان رکوع تعظیمی در یک فرد جمع شود وجه این که این دو عنوان با هم قابل جمع نیستند چه خواهد بود؟! اتّفاقاً چه بسا گفته شود که جمع ممکن است و وقتی برای تعظیم دو نفر قیام صورت می گیرد این قیام هم مصداق تعظیم نفر أول و هم مصداق تعظیم نفر دوم است. پس تضادی بین دو عنوان نیست و به صرف این که قصد تعظیم در رکوع شده است باعث نمی شود که جزء صلات نباشد و زیاده حاصل شود؛ اگر رکوع صلاتی لابشرط از قصد تعظیم غیر است وجهی ندارد که این رکوع صلاتی، جزء نماز نباشد. یا اگر سلام صلاتی با سلام تحیّتی قابل اجتماع است –که مرحوم خویی قبول دارند که فعل واحد ممکن است مصداق دو عنوان متغایر باشد- به چه وجهی این سلام صلاتی زیاده محسوب شود؟! اگر احراز نشود که سلام صلاتی به شرط لا از ضمّ عنوان غیر صلاتی است طبعاً جزء نماز خواهد بود و چیزی که جزء نماز باشد زیاده در نماز نخواهد بود.

توجّه شود که از ناحیه اخلاص –که قصد قربت باید خالصاً لله باشد- اشکال نشده است و خود مرحوم خویی بیان نمودند که اگر دو داعی مستقل یکی الاهی و دیگری غیر الاهی باشد مشکلی نداریم، علاوه بر این که چه بسا داعی برای تعظیم غیر، الاهی و قربی است و می خواهد با رکوع در نماز هم رکوع صلاتی انجام دهد و هم یک عالم با تقوا را برای خدا تعظیم کند.

ما نیز همچون مرحوم خویی قبول داریم که فعل واحد می تواند معنون به عناوین متعدّده شود و نماز دو رکعتی بین نماز مغرب و عشاء را هم به قصد نافله مغرب و هم به قصد نماز غفیله انجام دهد؛ لکن در جایی که از دلیل متشرعی یا لفظی فهمیدیم که شیء به شرط لا است دیگر تعدّد عناوین در فعل واحد ممکن نخواهد بود یعنی شارع بیان می کند «ارکع رکوعاً صلاتیاً محضاً» و لذا اگر قصد رکوع صلاتی و رکوع تعظیمی صورت بگیرد امتثال أمر محقق نخواهد شد.

شبیه این که نماز قضای صبح با نماز قضای نماز شب، به شرط لا از همدیگر اند و نمی توان یک نماز دو رکعتی هم به نیّت قضای نماز شب و هم به نیّت قضای نماز صبح انجام شود. حال در این مورد از این جهت که هر کدام از این دو نماز، ملاک مستقل دارد و در ارتکاز متشرعه با فعل واحد هر دو ملاک استیفا نمی شود، کشف کرده ایم که به شرط لا است.

## نظر آقای سیستانی

**آقای سیستانی در اینجا مطالبی بیان نموده اند؛**

**ایشان فرموده اند که در مقام سه قسم وجود دارد؛**

**قسم أول این است که:** بعض أجزاء را بدون قصد جزئیت اتیان کند؛ اتیان بعض أجزاء که مسانخ با نماز است بدون قصد جزئیت به نظر ما مصداق زیاده است. توجّه شود که فرض در این قسم، اتیان فعل زائد بر مقدار واجب است که داعی جزئیت ندارد.

**قسم دوم این است که**: هم به داعی صلاتی و هم به داعی غیر صلاتی جزء واجب را انجام دهد، که این قسم دوم سه حالت دارد؛

**حالت أول این است که:** این داعی غیر صلاتی، صرفاً داعی و غایت مترتّب بر فعل باشد مانند مثال قرائت که هم به داعی صلات و هم به داعی اعلام غیر یا تعلیم غیر انجام می دهد و حمد و سوره نماز را هم به داعی جزء واجب نماز و هم به داعی تعلیم غیر انجام می دهد؛ این حالت داخل در بحث گذشته یعنی مسأله 11 می شود که داعی مباح یا راجح که هر دو مستقل اند با داعی الاهی جمع شده اند که اگر داعی تعلیم غیر را قربی کند و برای خدا به کودک حمد و سوره یاد بدهد مشکلی ندارد ولی اگر داعی او قربی نباشد اخلاص او به هم می خورد.

**عجیب است که ایشان در مورد اخلاص در مسأله 13 مطلبی بیان نموده اند که انسان نسبت به صحت اعمال خود وحشت می کند**؛ اگر کسی صدایش را برای داعی اعلام غیر بلند کند، در صورتی که قصد خدا نداشته باشد نماز باطل است؛ مثلاً اگر کسی شخص را صدا بزند و او تکبیر نماز را بلند بگوید تا بفهمد مشغول نماز است یا اگر بلند می گفته است بلند تر بگوید تا بفهماند مشغول نماز است، در صورتی که به قصد قربت باشد مثلاً از باب «و بالوالدین احسانا» باشد؛ ولی اگر قصد قربی محقّق نشد و از ترس یا شوق یا طمع صدا را بلند کند نماز او اشکال پیدا می کند و احتیاط واجب می کنیم از این جهت که این عمل مصداق «من عمل لی و لغیری فهو لمن عمل له غیری» است. البته ذکر واجب یا ذکر مستحب که باید در آن قصد قربت شود این گونه است که هم به داعی الاهی و هم به داعی مباح یا راجح نفسانی انجام شود اشکال دارد و لذا اگر ذکر غیر واجب باشد اشکال ندارد مثلاً در نماز الله اکبر بگوید و قصد جزئیت نماز نکند و البته قصد ذکر دارد ولی برای غیر داعی قربی و مثلاً برای اعلام غیر است.

**حالت دوم این است که**: داعی خارجاً مترتّب بر فعل نباشد بلکه متّحد با فعل باشد؛ مثلاً قصد او از رکوع در نماز ورزش نیز باشد –به این خاطر که دکتر به او گفته که در روز چند مرتبه خم شو که برای مهره های کمر خوب است-؛ این حالت دوم شبیه حالت أول است که از غیر جهت اخلاص مشکلی ندارد و لذا اگر ورزش را نیز برای خدا انجام دهد –که خدایا می خواهم ورزش کنم تا سالم بمانم و برای دین تو خدمت کنم- صحیح خواهد بود.

**حالت سوم این است که:** عنوان غیر صلاتی از قبیل داعی و غایت نباشد و عنوانی باشد که شرعاً یا عقلاً با نماز تضادّ دارد؛ مانند این که از أدله استفاده کرده ایم که سجده تلاوت با سجده صلاتیه تضادّ دارد و روایت بیان نموده است «در نماز آیه سجده دار تلاوت نکن به این خاطر که مجبور می شوی در نماز سجده کنی» و اگر امکان داشت که با همان سجده صلاتی، سجده تلاوت نیز قصد شود مشکلی پیش نمی آمد و معنای این روایت این است که سجده صلاتیه و سجده تلاوت به شرط لا از همدیگر اند و فقط بحث اخلاص مطرح نیست تا گفته شود که سجده تلاوت را به قصد قربت انجام می دهم. سجده صلاتیه با سجده تلاوتیه متغایر اند و وجوداً متضادّ و به شرط لا از همدیگر اند و این را از شرع فهمیده ایم.

أما دو مثالی که صاحب عروه بیان فرمودند که رکوع به داعی صلات و به داعی تعظیم غیر و سلام به قصد نماز و به قصد تحیّت، اشکال دارد؛ زیرا این دو عنوان با یکدیگر قابل جمع اند و مشکل تنها در اخلاص است که اگر قصد قربت شود اشکال ندارد؛ اگر رکوع برای غیر خدا جایز باشد و از شبهه حرمت رکوع برای غیر خدا جواب داده شود، و این شخص هم به قصد نماز و هم به قصد تعظیم پدر به خاطر رضای الاهی، رکوع کند، نمازش صحیح است. و در سلام که به قصد سلام نماز و به قصد سلام تحیّت انجام می شود موجب بطلان نماز می شود به این جهت که سلام تحیّت، کلام آدمی است.

اشکالی در ضمن این مطلب مطرح است این است که چرا کلام آدمی باشد؟! فرض این است که با رفع مشکل اخلاص، این سلام هم مصداق سلام نمازی است که أمر دارد و هم مصداق سلام تحیّت است. ممکن است ایشان در جواب بگویند که از أدله استفاده کرده ایم که مخاطبه با غیر ولو دعا باشد –مانند غفر الله لک، عفی الله عنک- مبطل نماز است که برخی به این مطلب قائل اند و مرحوم امام احتیاط واجب می کنند. در جواب می گوییم اگر سلام در نماز از باب مخاطبه با غیر، مشکل داشته باشد ردّ تحیّت که تجویز شده است و با «السلام علیکم[[1]](#footnote-1)» هم سلام صلاتی و هم سلام ردّ تحیّت انجام می شود. این مطلب را باید بعد از بیان کامل فرمایش آقای سیستانی بحث کنیم. خلاصه این که ایشان از باب این که کلام آدمی می شود اشکال می کنند.

**قسم سوم این است که:** جزء مستحب هم به قصد نماز و هم به قصد غیر نماز انجام شود؛ آقای سیستانی می فرمایند کسانی مثل مرحوم حکیم و مرحوم خویی که جزء مستحب را قبول ندارند و قائل اند نماز واجب، جزء مستحب ندارد و هر چه در نماز مستحب است جزء نیست طبعاً به صاحب عروه اشکال می کنند که در نماز جزء مستحب نداریم که قصد جزئیت کنیم و وقتی قصد جزئیت نکردیم دیگر جزء صلاتی نمی شود تا بگوییم اتیان به این عمل مستحب به داعی جزء صلاتی و غیر جزء صلاتی است.

آقای سیستانی فرموده اند به نظر ما استحباب و جزئیت قابل جمع است و جزء مستحب در نماز ممکن است و لذا تمام سه حالتی که برای قسم دوم بیان شد در این فرض نیز جاری است؛ مثال این که با رفع ید در حال تکبیرة الاحرام یا بقیه تکبیرهای نماز هم جزء مستحب نماز و هم عنوان آخری را قصد کند که اگر آن عنوان آخر، تعظیم غیر یا اعلام غیر است باید همراه با اخلاص باشد.

**خلاصه فرمایش آقای سیستانی این شد که**: رکوع در نماز به قصد صلاتیت و به قصد تعظیم غیر به شرط اخلاص هیچ اخلاصی ندارد ولی سلام به قصد سلام نمازی و به قصد انشای تحیّت به جهت تکلّم به کلام آدمی مبطل خواهد بود. ایشان تعدّد عنوان در فعل واحد را مشکل ندانسته اند مگر این که همچون سجده صلاتی و سجده تلاوت دلیل خاص وجود داشته باشد که دو عنوان به شرط لا از همدیگر اند که حتّی اگر اخلاص هم وجود داشته باشد نماز باطل خواهد بود.

1. ممکن است استعمال در دو معنا لازم بیاید از این جهت که مخاطب سلام نمازی با مخاطب ردّ تحیّت تفاوت دارد و از این جهت شبهه پیدا می شود که لازم است بعداً آن را بحث کنیم. [↑](#footnote-ref-1)